

مدیر مسئول روزنامه‌ها مطرح کرد:

از برکات قرنطینه تا رونق فضای مجازی



آن هم این است که در زمان جنگ مرد از نامرد مشخص می‌شود. حالا نمی‌گویم که دوستانی که جوانب احتیاط را رعایت کردند نامرد تلقی می‌شود اما به هر حال با دیگران حاضر در میدان متفاوت‌اند. **دستاورز مذهب**

مسئله دیگر در همین موضوع نقش اعتقادات مذهبی و باورهای دینی در مدیریت رفتارهای افراد بود و اثر آن در روحیه و خروجی کارهایشان کاملاً مشهود بود. آرامش و منانیت نصب آن‌هایی بود که باورهای قوی‌تری داشتند و برعکس اضطراب و تشویش هم در دل سست باورها خانه کرده بود.

در دل کار

تغییر فرایندهای کار رسانه‌ای از دیگر تأثیرات کرونا بود چه در رسانه‌های مکتوب و چه در خبرگزاری‌ها. ما به عنوان روزنامه با دوره‌ای روبه‌رو شدیم که امکان چاپ نداشتیم، یا باید دست روی دست می‌گذاشتیم و در این راه مخاطبمان را از دست می‌دادیم، یا وارد دیگر پلتفرم‌ها می‌شدیم. تصمیم بر آن شد که همگی به صف شویم و کار تولید خبر در فضای مجازی را آغاز کردیم. همین تجربه جدید برایمان بسیار خوشایند بود. خبرنگارها فارغ از گرایشات و تعلقاتشان در فضاهای مختلف حاضر شدند؛ در بیمارستان‌ها، در جمع بچه‌های جهادی، در جمع کمک رسانان در شهرستان‌ها. این تجارب جدید آورده‌های زیادی هم برای زندگی فردی و حرفه‌ایشان داشت، تجاربِی تکرار ناشدنی.

توصیف من از این مدت درگیری با این مسئله این است که انگار یک کلاس روزنامه‌نگاری فشرده که در آن تمام تجربه‌های مختلف را می‌چشدند را گذراندند. حضور در یک رزمایش رسانه‌ای کامل. شخصی من تجربه‌ی بحران‌های متعددی را داشتم و به دلیل تجربه‌ی بیست ساله‌ام در رسانه، بحران کم ندیده‌ام اما باید اعتراف کنم که این دوران منحصراً به فرد بود و برای گذار از آن سعی کردم از جنبه‌هایی که می‌توان از این تهدید فرصت ساخت به مسئله نگاه کنم. تجربه‌های متفاوتی از جنس اصلاح فرآیندهای خبر رسانی، نوع تعامل و مواجه با نیروی انسانی، از این جهت که هم او را به آرامش دعوت کنی و در عین حال انتظار کار مفید را داشته باشی.

چالش‌های ما در این دوره در سه دسته‌ی حفظ سلامت کارکنان، بهینه کردن ساختارها و فرآیندها، انجام رسالت رسانه‌ای و اخلاقی خلاصه می‌شد. تنظیم کردن این ابعاد که بعضاً با یکدیگر زد و خورد پیدا می‌کنند، دشواری‌های زیادی دارد و عین حال تجربه‌ی گران‌بهایی بود.

روزنامه جام جم درگاه اینترنتی به آن معنا که محتوایی خارج از محتوای نسخه‌های چاپی روزنامه در آن منتشر شود، ندارد و بیشتر برای آرشיו کردن نسخ چاپ شده یا نشده روزنامه مورد استفاده ما بود. با این وجود بیشتر تولید محتوای ما در فضای مجازی اتفاق می افتاد و تصمیم گرفتیم محتواهایمان را در قالب‌های جذاب اعم از ویدئو، کلیپ،فیلم‌های میدانی، پادکست، اینفوگراف و به طور کلی قالب‌هایی که بتواند در کوتاه‌ترین زمان اطلاعات جامعی را در دسترس مخاطب قرار دهد، تولید کنیم. سعی کردیم سریعاً تحریریه را از یک تحریریه سنتی به فضایی برای تولید محتوا در فضای مجازی تبدیل کنیم و هم در دیده شدن محتوا و هم رشد بسترهای مجازی‌مان به توفیقاتی رسیدیم. مثلاً سلسله کلیپ‌هایی با عنوان مثبت کرونا که سعی داشت اتفاقات مثبت و شیرینی که در این زمان و درگیریِ واقع می‌شد را پوشش بدهد منتشر شد و مورد استقبال قرار گرفت.



رئیس پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات گفت: این جستارها پس از تهیه، تدوین و داوری، در فضای مجازی منتشر خواهد شد. نسخه مکتوب آن نیز به صورت کتاب «گزارش‌های پژوهشی– فرهنگی» از سوی پژوهشگاه منتشر می‌شود.

وی افزود: تهیه سه گزارش پژوهشی بر مبنای «فراتحلیل مباحث علمی و فکری» مطرح‌شده در سه موضوع «دلالت‌های فرهنگی اجتماعی کرونا در

اقتصاد روزنامه کرونا در کنار تمام فیوضاتش در زمینه های اقتصادی ضربه هایی را به بدنه روزنامه وارد کرده است؛ از جهت کاهش فروش نسخ چاپی و در کنار آن فروش کمتر آگهی. با این همه تلاش کردیم تا حقوق فروردین ماه کارمندان را به هر ضرب و زوری که هست پرداخت کنیم و امیدواریم که بتوانیم حقوق اردیبهشت ماه را هم پوشش بدهیم و به بهبود اوضاع بیاندیشیم. از طرف سازمان‌های ناظر هم قول پرداخت پارانهای برای ماه فروردین داده شده است ولی هنوز برون دادی نداشته است که بتوان از آن نام برد.

تعدیل نیرو نداشتیم

فرشاد مهدی پور، مدیر مسئول روزنامه صبح نو
ما متأثر از تصمیمات کلی که از همان زمان جدی شدن قصه ی کرونا در کشور گرفته می‌شد حرکت می کردیم. کار ما در واقع سه بخش دارد: یک بخش آن مربوط به فضای داخلی سازمان است و بخش دیگر آن مربوط به ارتباط ما با سایر رسانه ها و بخش سوم هم پاسخ هایی است که باید به افکار عمومی داده شود. در بخش مربوط به افکار عمومی به سراغ مواردی رفتیم که مربوط به قرنطینه خانگی یا تصمیمات دولت برای این زمان بود. در بخش ارتباط با سایر سازمان های رسانه ای باید توجه می داشتیم که به هر حال در یک فضای رقابتی با آنها قرار داریم و باید تعادلی در تولیدات و رفتارهایمان ایجاد کنیم. و مسئله آخر روابط درون سازمان بود که در اولین ضربه آن، همان روزهای ابتدایی چند نفر از کارکنان ما به ویروس مبتلا شدند.

همه اینها در یک کلام به کار ما ضربه زد و به طریق اولی کیفیت کارمان هم کاهش پیدا کرد و از طرفی ترجیح می دادیم که تعدیل نیرو نداشته باشیم و همین باعث شد تا سعی کنیم هزینه هایمان را هم نصف بکنیم. در خصوص کاهش کیفیت مسئله مهم این است که ارتباطات بین فردی در کار رسانه ای جایگاه مهمی دارد و اینطور نیست که ما یک محصول را سفارش بدهیم و نهایتاً یک خروجی تحویل بگیریم. باید در تمام مراحل تولید متن رسانه ای گفت و گو شکل بگیرد و لحظه به لحظه در تعامل بین افراد تکمیل و تصحیح شود.

در دورکاری این امکانات وجود ندارد و برای انجام یک اصلاح ساده باید چندین بار متن را برگردانیم و تماس تلفنی بگیریم و صدا قطع و وصل شود و اینترنت یاری نکند و... نهایتاً از خیر کیفیت مناسب بگذریم و متن را با علم به کم و کاستی هایش منتشر کنیم.

هم آسوده بودیم هم مضطرب

در ایام تعطیلات ما سعی کردیم در فضای مجازی فعال بمانیم. هر چند که با بسته شدن ناگهانی و بدون دلیل صفحه توئیتر روزنامه رو به رو شدیم و از این بابت به شدت ضربه خوردیم اما همچنان در تلاش بودیم تا محتوا را به فضاهای دیگر منتقل کنیم. و چون قبلاً تجربه تولید محتوا در قالب های غیر سنتی را داشتیم برای این دوره از این حیث کار جدیدی نکردیم و فقط سعی کردیم در حد متعارفی آن را زنده نگه داریم.

الآن که وارد پنجمین سال انتشار خود می شویم و از ابتدا روی فضای مجازی سرمایه گذاری کرده بودیم، خیلی بی‌ایمنند کار جدید و پلتفرم تازه نبودیم و حتی برای اینترنت یک بستر داخلی را تعبیه کرده بودیم که در این زمان هم با مشکلی از این جهت مواجه نشدیم و تنها مسئله آن این بود که همکاران ما در بخش فعلی چند روز پیش از آغاز ماجرا مجبور به حضور در محل شدند که این بستر داخلی را عمومی کنند که امکان کار در منزل هم وجود داشته باشد.

یک زمین بازی و هزاران دوند

چالش اصلی که با آن رو به رو بودیم این بود بود که همه ی موضوعات در این مدت کرونایی شده بود و تقریباً محتوایی خارج از موضوع کرونا وجود نداشت. خود این مسئله فشار مضاعفی بر ما می آورد از این جهت که باید تمام سوزه هایی روی آن کار می کردیم را ذیل کرونا تعریف می کردیم و علی رغم اهمیت آن خطر تکراری بودن و خسته شدن مخاطب ما را تهدید می کرد. و مثلاً اگر دقت کرده باشید روزی که دولت طرح فاصله گذاری اجتماعی را به فاصله گذاری هوشمند تبدیل کرد، تیتز هفت یا هشت روزنامه خیلی شبیه هم بود و آن هم به همین دلیل یکسانی موضوع و مسئله روز بود.



ایران»، «چشم‌اندازهای جهانی درباره کرونا به مثابه پدیدار فرهنگی اجتماعی (موردی بر دیدگاه‌ها و نظرات مهم متفکران جهانی درباره کرونا)» و «کرونا و دین» از دیگر فعالیت‌هایی است که مقرر شده از سوی این پژوهشگاه انجام شود.

تحلیل محتوای شبکه‌های اجتماعی با استفاده از داده‌کاو (Data Mining): در این بخش، (محتوای سه شبکه اجتماعی «توییتر»، «تلگرام» و «اینستاگرام» با موضوع کرونا، به‌صورت هفنگی تحلیل محتوا خواهد شد) و تهیه گزارش‌های کیفی از وضعیت زندگی مردم در شرایط کرونا با استفاده از روش مصاحبه عمیق (در این بخش تلاش می‌شود تا با طرح پرسش‌هایی، نگاه مردم به وضعیت فعلی شناسایی شود)، از دیگر اقداماتی است که به گفته سلگی قرار است از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات صورت بگیرد.

وی گفت: همچنین با توجه به پیامدهای فرهنگی و اجتماعی کرونا تصمیم

۸ کتاب که با خواندن آن‌ها به عشق ایمان می‌آورید

عشق همیشه سوال برانگیز و جذاب بوده است و به همین دلیل هم کمتر کسی پیدا می‌شود که از خواندن داستان‌های عاشقانه لذت نبرد. در این روزها که ممکن است بیشتر در خانه باشید، خواندن کتاب‌هایی با تم عاشقانه خالی از لطف نخواهد بود. در این مقاله ما هشت کتاب از میان بهترین رمان عاشقانه ایرانی و خارجی را به شما معرفی می‌کنیم که بعد از خواندنشان احساس خوبی خواهید داشت؛ حتی اگر چشم‌هایتان پر از اشک شده باشد.

۱. یک عاشقانه آرام: نادر ابراهیمی استاد نوشتن عاشقانه‌هایی است که در این عصر دل‌سختی می‌تواند دل سنگ را هم نرم کند. کتاب یک عاشقانه آرام از این نویسنده حجم زیادی ندارد؛ اما انبوهی از معانی زیبا و مهم زندگی را در دل خودش جا داده است تا به خواننده یادآوری کند، چیزی که زندگی را قابل تحمل می‌کند محبت و دوست داشتن است. این کتاب تا به حال بیش از ۴۰ بار توسط انتشارات روزبهان منتشر شده است و هنوز هم جزو عاشقانه‌ترین کتاب‌های دوران است؛ از همان مقدمه‌اش تا آخرین جمله از آخرین صفحه. فرصت را از دست ندهید و پیش از آنکه دیر شود، درس‌های مهم‌تان را بگیرید.

۲. غرور و تعصب: اگر به دنبال یک رمان عاشقانه هستید که تا مدت‌ها فراموش نکنید، نسخه الکترونیکی غرور و تعصب را دانلود کنید یا نسخه فیزیکی‌اش را بخرانید. این کتاب در تمام دنیا خوانندگان متعددی دارد؛ از طرفداران سرسخت ایرانی گرفته تا کلپ‌های کتابخوانی خارجی که این کتاب را به عنوان یکی از معروف‌ترین گزینه‌های ادبیات کلاسیک به اعضایشان پیشنهاد می‌کنند. ماجرای کتاب رابطه بین الیزابت و آقای دارسی است؛ دختری از یک خانواده خیلی معمولی و مردی بسیار متمول که از قضا خیلی بی احساس و نجیب به نظر می‌آید. اما این فقط ظاهر ماجراست و الیزابت رفته رفته متوجه می‌شود که پشت این چهره خشن، قلبی مهربان پنهان شده است. خواندن غرور و تعصب اثر جین آستین در روزهایی که به حال خوب نیاز دارید، به شدت توصیه می‌شود.

۳. بریت ماری اینچا بودک چند سالی می‌شود که کتابخوان‌ها نام فردریک بکمن را بین خودشان تکرار می‌کنند و کتاب‌های او را به هم قرض می‌دهند. این نویسنده سوئدی که معروف‌ترین کتاب او در ایران «مردی به نام آوه» است؛ کتاب دیگری دارد به نام «بریت ماری اینچا بودک» که دوی این کتاب‌ها حال خواننده را خوب می‌کنند؛ اگرچه گاهی باعث می‌شوند اشک در چشم‌های حلقه زند، بکمن استاد شخصیت پردازی است. ریتم کتاب‌های او بسیار کند است؛ طوری که ممکن است در صفحات اول خواننده کم حوصله را بی طاقت کند؛ اما کافی است بگذارد کتاب چند صفحه‌ای جلو برود تا ناخودآگاه به خودش بیاید و وسط دنیای داستان ایستاده است و حالا می‌خواهد بداند سر گذشت شخصیت‌های داستانی به کجا می‌رسد. اگر به دنبال کتابی با ضرب‌النگ آهسته و درس‌های زیبای زندگی هستید، از بریت ماری و آوه غافل نشوید.

۴. سه شنبه‌ها با موری: قبل از خواندن این کتاب بدانید و آگاه باشید که اصلاً بعید نیست گاهی به گریه بیفتید؛ اما نه از آن گریه‌هایی که از سر ناامیدی است؛ بلکه گریه‌ای امیدوارانه که موری با دادن شیرین‌ترین و مهم‌ترین درس‌های زندگی به شما باعث آن خواهد شد. کتاب را میچ آلبوم نوشته است و موضوع آن حاصل ملاقات‌های او با استادش موری که روزهای آخر زندگی‌اش را می‌گذراند. موری و میچ مکالمه‌های بسیار دلچسپی دارند و درباره مفاهیم بزرگ و مهم زندگی صحبت می‌کنند. از عشق حرف می‌زنند، از ازدواج می‌گویند، از مرگ تعریف می‌کنند و زندگی را می‌ستایند. از روی این کتاب فیلمی هم ساخته شده است که نمی‌توان تأثیر گذاری آن را دست کم گرفت. چه کتاب و چه فیلم؛ هر دوی آن‌ها قرار است درس‌های زیادی به شما بیاموزند. قبل از تماشای فیلم بهتر است اطلاعاتی درباره آن در این مطلب کسب کنید.

۵. کیمیاگر: دنیای پاولو کوئلیو را با کتاب کیمیاگر می‌شناسد و اگر شما هنوز این کتاب را نخوانده‌اید؛ یکی از تجربه‌های خوب زندگی‌تان را از دست داده‌اید. کیمیاگر کتابی است درباره رویاها، درباره نمادها و درباره نشانه‌هایی که می‌تواند شما را به سمت رویاهایتان راهنمایی کند. داستان فضایی دارد متشکل از عرفان و فلسفه و از همان صفحات اول خواننده را میخکوب خواهد کرد. اگر مدت‌هاست دلتنگ خواندن کتابی هستید که یادتان بیآورد رویاها واقعیت دارند و باید آن‌ها را جدی گرفت؛ کیمیاگر کتابی است که می‌تواند با یک رمان شیرین دلی این احساس را در شما زنده کند.

۶. بر باد رفته: مارگارت میچل بر باد رفته را برای نسل‌های زیادی به یادگار گذاشت؛ رمانی که ترکیبی از رابطه پر فراز و نشیب رت باتلر و اسکارلت اوهارا و جنگ و زندگی در آمریکا است. این کتاب علی رغم پایان بندی بازی که دارد، روند رشد ارتباط عاشقانه رت و اسکارلت را به خوبی نشان می‌دهد و یکی از بهترین کتاب‌های عاشقانه‌ای است که تا کنون به حال نوشته شده است؛ از آن عشق‌های عجیبی که ممکن است گاهی حرستان را دربریاورد و گاهی اعصابتان را خرد کند؛ اما در نهایت می‌دانید که رت و اسکارلت به هم تعلق دارند. ۷. جین ایر: یکی دیگر از عاشقانه‌های شیرین و پر از فداکاری ادبیات کلاسیک، کتاب جین ایر است. شارلوت برولته در این کتاب روایت عاشقانه آقای راجستر و جین ایر را با قلم زیباییش به رشته تحریر درمی‌آورد. جین ایر پدر و مادرش را از دست داده است؛ در پرورشگاه بزرگ شده و خیلی سختی کشیده. حالا به عنوان معلم وارد خانه آقای راجستر شده و کم کم دل در گرو این مرد می‌بندد. راجستر هم احساس قلبی دارد؛ اما مانعی سر راه آن‌ها قرار می‌گیرد که باعث می‌شود جین عبارت او را ترک کند. ماجرای برگشت جین و شکل گرفتن دوباره این عاشقانه یکی از عشق‌های شیرین دنیای کتاب‌های کلاسیک را نشان نمی‌دهد. برای دانلود نسخه الکترونیک جین ایر می‌توانید به سایت فی‌دی‌بو مراجعه نمایید.

۸. من پیش از تو: درباره «من پیش از تو» هر چه بگوییم؛ کم گفته‌ایم و تا خودتان دست به کار خواندن رابطه عاشقانه لوییلا و ویل نشوید؛ متوجه آنچه که در این داستان بر کشش وجود دارد، نخواهید شد. این کتاب قطعاً ایمان شما به عشق را بیشتر خواهد کرد؛ اما این ایمان بدون اشک ریختن میسر نخواهد شد. کتاب را جوجو مویز نوشته، به فارسی ترجمه شده و از روی آن فیلمی هم با بازی درخشان امیلیا کلارک و سم کلفلین ساخته شده است.

ماجرای ابن‌سینا و هسر فراری خلیفه در خاطرات ابوعبید جوزجانی

نشر قطره شانزدهمین چاپ کتاب «راه اصفهان: سرگذشت ابن‌سینا» نوشته ژیلبر سپونوه و ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی را با شمارگان ۲۰۰ نسخه، ۵۱۴ صفحه و بهای ۸۵ هزار تومان منتشر کرد.
چاپ پیشین (پانزدهم) این کتاب بهار سال ۹۸ با شمارگان چهارصد نسخه و بهای ۶۵ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفته بود. نخستین چاپ این ترجمه در نشر قطره به سال ۱۳۸۵ با شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و بهای پنج هزار و ۵۰۰ تومان منتشر شده بود. پیش از نشر قطره انتشارات گفتار تا پنج نوبت ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی از «راه اصفهان» را منتشر کرده بود.

«راه اصفهان» به‌نوعی دفتر خاطرات است که بر اساس یک نسخه خطی اصیل به زبان عربی، نوشته شده و آن نسخه خطی به قلم ابوعبید جوزجانی است. جوزجانی مشهورترین و نزدیک‌ترین شاگرد ابن‌سینا بود و بیش از دو دهه او را در سفر و تواجیع همراهی کرد. این کتاب روایتی داستانی است از دوران درهم و برهم و آشفته‌ای که در آن یکی از نویسندگان برجسته جهان اندیشه قدم به عرصه هستی می‌گذارد و آثاری را می‌آفریند که در غرب و شرق تأثیر می‌گذارد و در تاریخ جاودانه می‌شود. مترجم کتاب مقدمه مختصر، اما مفید و کاملی درباره شرایط جهان اسلام و ایران هنگام ظهور ابن‌سینا نوشته است.روایت کتاب از دوران شهرت ابن‌سینا و زمانی که قدرت ذهنی و گستردگی دانشش به همه اثبات شده آغاز می‌شود. اما همین دانش و سیر اتفاقات سیاسی و البته حماقت فرمانروایان باعث طوارگی این شخصیت برجسته علمی شدند.
نویسنده به خوبی دوست‌داری دانش و همچنین قدرت طوابع ابن‌سینا را به تصویر کشیده است. در دل روایت اصلی خرده روایت‌هایی از برخی درمان‌های مشهور ابن‌سینا و همچنین مسائل و مصائبش در دوران وزارت نقل شده است.

یکی از این روایت‌ها که به داستان اصلی اشافه شده، روایت دختری به یاسمین کنیز فراری خلیفه بغداد است که عاشق ابن‌سینا می‌شود و همراهش می‌رود، اما در نهایت خلیفه او را می‌یابد و از ابن‌سینا جدا می‌کند. در نهایت نیز یاسمین در سفر بعدی ابن‌سینا فوت می‌کند.



گرفته شده تا با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نسبت به برگزاری همایشی ملی در این زمینه اقدام شود.
فراخوان این همایش با عنوان «پیامدهای فرهنگی و اجتماعی کرونا بر حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع فرهنگی ایران از منظر علوم اجتماعی و مردم‌شناسی» از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده است. با توجه به شرایط همه‌گیری کرونا و اصل فاصله‌گذاری اجتماعی، همایش یادشده در قالب یک همایش صوتی برگزار خواهد شد. طبق فراخوان این همایش از پژوهشگران و علاقه‌مندان دعوت کرده‌ایم یکپده مقالات خود را در قالب «فایل‌های صوتی» و ویدئوهای ۵ پس از تأیید آن، اصل مقالات خود را در قالب فایل‌های صوتی یا پانزده دقیقه‌ای به نشانی همایش ارسال کنند. تأثیر کرونا بر تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی (نظیر کتاب، سینما، موسیقی، بازی‌های رایانه‌ای و...)، همچنین پیامد شیوع کرونا بر کنشگران و فعالان حوزه فرهنگ، هنر و رسانه و بر تحولات فرهنگی و هنری از موضوعاتی است که در متن فراخوان ذکر شده است. در راستای این همایش نیز تعدادی پیشنهادی به هیئت هیئت علمی پژوهشگاه تدارک دیده شده که به صورت آنلاین و با حضور صاحب‌نظران فرهنگی و هنری برگزار خواهد شد.

سلگی افزود: به همت پژوهشکده هنر پژوهشگاه در تالایش با نمایشگاه مجازی عکس با عنوان «تصویرنگاری از تحولات پاسکروپایی فرهنگ و هنر در ایران» را برگزار کنیم.
تَبَرِ روایت هنرمنانده از تحولات فرهنگی در دستها و برگزاری آئین‌های اجتماعی در دوره کرونا و پس از آن هدف این نمایشگاه است.
وی در پایان گفت: در بخش داخلی و در حوزه مربوط به همکاران مان در پژوهشگاه نیز برنامه‌های متعددی در اجرا کرده‌ایم. از جمله نسبت به آموزش موارد ایمنی و بهداشتی به پرسنل اقدام شده و لوازم بهداشتی و ضدعفونی برای پژوهشکده‌ها و بخش‌های سازمانی تأمین و برنامه‌ریزی و آماد‌ه‌سازی شرایط استفاده از دور کاری انجام شده است.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ادامه داد: متن کامل این

نظرسنجی که بر روی سایت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده،

از سوی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختیار اعضای محترم هیأت

دولت قرار گرفت. همچنین نتایج این نظرسنجی از سوی پژوهشگاه در اختیار

رسانه‌ها، نهاده‌ا و مراکز پژوهشی قرار داده شده است. به زودی متن کامل این